

بررسی وضعیت ارث و نفقه کودک های متولد شده ژنتیکی ناشی از اسپرم های اهدایی در حقوق ایران

بهروز معروفخانی^۱، مهدی الهویی نظری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
^۲ استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، رشته حقوق خصوصی.

نام نویسنده مسئول:

بهروز معروفخانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۸

چکیده

مسائل حقوقی ناشی از تحقیقات ژنتیک (به طور مثال ارث و نفقه) جزء مسائل مهم روز در زمینه حقوق پزشکی هست که با توجه به رشد روزافزون فناوری های ژنتیک دارای اهمیت دوچندان است و ضرورت انجام تحقیق را بیشتر می نماید. بنابراین این پژوهش به کمک روش توصیفی - تحلیلی سعی بر این دارد تا مسئله را موشکافی نماید و برای جمع آوری مطالب از روش کتابخانه ای استفاده شده است. حال این سؤال مطرح می شود که در نظام حقوقی ایران وضعیت ارث و نفقه کودک ناشی از اسپرم اهدایی چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه تحقق نشان دهنده آن است که در بحث ارث نسب عاملی مهم به حساب می آید و در نفقه فروض مختلفی در پرداخت وجود دارد. بنابراین ارث و نفقه کودک ناشی از اسپرم اهدایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است. دستاوردهای تحقیقات ژنتیک عمدتاً شامل مهندسی ژنتیک، اصلاح نژاد، ژن درمانی و تشخیص نارسایی ژنتیکی است که این پژوهش به یکی از این دستاوردها، یعنی کودک متولد شده ناشی از اسپرم اهدایی می پردازد و به این نتیجه می رسد که حقوق ارث و نفقه در این زمینه مباحث کافی ارائه نموده اند.

واژگان کلیدی: ارث، نفقه، اسپرم اهدایی، ژنتیک.

مقدمه

تحقیقات ژنتیک همچنان که بر دانش پزشکی ما افزوده و باعث ارتقای سلامت و درمان بیماری‌ها شده، چالش‌های حقوقی و اخلاقی بسیاری را نیز پیش کشیده است. اطلاعات ژنتیکی از این جهت که ارتباط نزدیکی با خصوصیات فردی دارند، خاص و متمایز از سایر اطلاعات پزشکی هستند و این تمایز ناشی از این فرض متعارف است که ژن‌های هر فرد وضعیت سلامت و خصوصیات رفتاری وی را مشخص می‌سازند. بنابراین خطرات بالقوه‌ای از قبیل بهتان و تبعیض اجتماعی از سوی کارفرمایان و سازمان‌های بیمه، برای افراد شرکت‌کننده در مطالعات ژنتیکی مطرح است. به‌علاوه اطلاعات ژنتیکی افراد، اطلاعاتی را درباره خویشاوندان آن‌ها فراهم می‌آورد که خود مباحث پیچیده‌ای را به‌ویژه در حیطه استقلال فردی و رازداری مطرح می‌سازد. وضعیت ارث کودکان ناشی از اسپرم اهدایی در حقوق ایران در دوران حیات صاحب اسپرم (پدر) مواردی پیش می‌آید که در آن زوجین به علل گوناگون نمی‌توانند به‌طور طبیعی صاحب فرزند شوند. تشکیل جنین از طریق تلقیح اسپرم پدر با تخمک مادر و انتقال آن به رحم مادر در محیط آزمایشگاه یکی از اکتشافات جدید و نوع خاصی از تلقیح مصنوعی است که به‌موجب آن زن از طریق تزریق مصنوعی نطفه همسرش باردار می‌شود. این مسئله علی‌رغم تمام فرصت‌ها و موهبت‌هایی که با خود به دنبال دارد چالش‌های بسیاری را نیز خصوصاً در مورد طفل حاصل از آن به همراه داشته است. مهم‌ترین بعد حقوقی این مسئله که بدان پرداخته خواهد شد این است که آیا تلقیح نطفه مرد به رحم همسرش جایز است و طفلی که از این طریق متولد می‌شود دارای نسب مشروع و قانونی بررسی وضعیت ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت صاحب اسپرم... بوده و از پدرش ارث می‌برد یا خیر؟

بحث بعدی نفقه کودکان ناشی از اسپرم اهدایی در حقوق ایران است؛ ضرورت تحقیق از آن‌روست که با توجه به فراز و نشیب‌هایی که در مورد وضعیت حقوقی کودکان ناشی از اسپرم اهدایی وجود دارد، لازم است مهم‌ترین بعد حقوقی این مسئله که بدان پرداخته خواهد شد این است که بحث نفقه کودکان ناشی از اسپرم اهدایی بر عهده چه کسی هست؟ حقیقت آن است زن و شوهری که بر اثر قراردادی، باعث ولادت کودکی می‌شوند، حق ندارند با مستمسک قرار دادن این مسئله که کودک به آن‌ها ملحق نیست، از زیر بار مسئولیت نگهداری و تأمین نفقه و حقوق کودک شانه خالی کنند. از این‌رو شناسایی کسی که ملزم به تأدیه نفقه می‌باشد، ضروری است. با این شرایط در این مقاله سعی بر این است تا به بررسی وضعیت ارث و نفقه کودکان متولدشده ژنتیکی ناشی از اسپرم‌های اهدایی در حقوق ایران بپردازیم.

ادبیات تحقیق

قبل از بررسی بررسی وضعیت ارث و نفقه کودکان های متولد شده ژنتیکی ناشی از اسپرم های اهدایی در حقوق ایران، ابتدا سعی خواهد شد تا تعاریف اصلی مورد بررسی قرار گیرد:

ارث

واژه ارث در اصل از مصدر «ورث» گرفته شده است که «واو» در ابتدای این واژه به «همزه» و بعضاً به «تا» تبدیل شده است. به همین نحو در واژه «میراث» در معنای مفعولی، نیز حرف «واو» به «یا» تبدیل شده است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۲)

واژه ارث در لغت در معنای اصل چیزی یا باقیمانده چیزی استعمال شده است اعم از اینکه آن یک امر مادی و ظاهری مثل مال باشد و یا یک امر معنوی و باطنی مثل علم و دانش و... (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳۴۸)

دید می‌شود که در لغت و اصطلاح در بحث ارث دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ حال بایستی دید که در حقوق چه تعاریفی ارائه شده است. برای پاسخ به این سؤال در ادامه به بررسی معنای حقوقی ارث می‌پردازیم

در نصوص قوانین موضوعه ایران علی‌رغم تکرار متعدد واژه ارث، هیچ تعریفی از این واژه ارائه نشده است؛ اما پاره‌ای از اساتید حقوق ایران معتقدند این لغت در متون حقوقی و قانون مدنی ایران در هر سه معانی مذکور در قسمت قبل به‌کاررفته است. (کاتوزیان ۱۳۹۶: ۱۳۹ - ۱۴۰)

یعنی ارث گاه به معنای مال یا حقی است که پس از مرگ شخص به بازماندگان او می‌رسد؛ و گاه دیگر به معنای استحقاق بازماندگان شخص بر دارایی اوست؛ اما باید گفت که ظهور اختصاصی هر یک از معانی مذکور در مواد بیان شده ثابت نیست.

چراکه مثلاً در ماده ۸۶۲ ق.م آمده است: «شخصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند...» یا در ماده ۸۶۳ ق.م آمده است: «وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد» (کاتوزیان ۱۳۹۶: ۱۴۰)

نفقه

نفقه در لغت در دو زبان فارسی و عربی به معنای تقریباً مشابهی به کار می‌رود، در زبان عربی ریشه نفقه در دو کلمه بکار رفته است. «خروج و رفتن و هلاک شدن و دیگری شیوع و رواج پیدا کردن». (عابدیان، ۱۳۸۷: ۶۳)

راغب در مفردات می‌نویسد: «نفقه اسم است برای آن چیزی که انفاق می‌شود؛ مانند آیه «و ما أنفقتم من نَفَقَه» و با آیه «و ال ینفقون نَفَقَه» که نفقه به آن چیزی که انفاق شده، گفته شده است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۱)

برخی نیز نفقه را مشتق از انفاق، به معنای آنچه از درهم و مانند آن مصرف می‌گردد، و زاد و آنچه انسان برای عیالش خرج می‌کند، می‌دانند. (مصطفوی، ۱۳۹۴: ۹۸)

نفقه در فارسی نیز در دو معنا به کار رفته است که عبارتند از:

- آنچه صرف عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش.
- آنچه انفاق و بخشش کنند و نفقه‌خوار، آن که نفقه کسی خورد، و نفقه دادن، یعنی متکفل معاش دیگری شدن و هزینه معاش دیگری را تعهد کردن. (نعمتی، ۱۳۹۷: ۴)

در اصطلاح حقوقی انفاق، تأمین هزینه مایحتاج ضروری افراد واجب النفقه توسط فرد ملزم به انفاق است و از جمله این افراد زوجه می‌باشد که بر سایر افراد واجب النفقه مقدم است (امامی، ۱۳۸۹: ۶۱).

قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ مصادیق نفقه را این‌گونه بیان نموده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

برخی در تعاریف جامع‌تری آورده‌اند: «نفقه تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود به آن نیازمند است». (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

به‌طور کلی از تعاریف مختلف چنین به دست می‌آید که نفقه زوجه عبارت است از: نیازمندی‌های ضروری زندگی وی، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و ... که زوج مکلف به تأمین آن‌ها می‌باشد. (نعمتی، ۱۳۹۷: ۴)

اسپریم اهدایی

به دلیل اینکه در هیچ منبعی تعریف کامل از این مفهوم نیامده است به یک تعریف کلی بسنده می‌کنیم، اهدای اسپریم به معنی آن است که از اسپریم یک نفر غیر از همسر برای عمل لقاح استفاده شود که در ایران این عمل توسط مراکز باروری انجام می‌گیرد. معمولاً زمانی که یکی از زوجین یا هر دو به دلایلی دچار مشکلی هستند که عمل لقاح توسط اسپریم مرد صورت نمی‌گیرد.

وضعیت حقوقی ارث کودکان ناشی از اسپریم اهدایی در حقوق ایران

یکی از فواید نکاح که در شریعت اسلام به آن تأکید شده، بقای نسل و ادامه حیات است که در قرآن به کرات به آن اشاره شده است. هر زن و شوهری حق دارند از داشتن فرزند برخوردار شوند و از خداوند بخواهند که به آنان فرزندان صالح عطا فرماید. در شرع مقدس اسلام برای هر فعلی از افعال انسان‌ها حکمی قانون‌گذاری شده است. مسئله تولیدمثل و انتساب کودک متولدشده از طریق مصنوعی از پدیده‌هایی است که باید حکم تکلیفی و وضعی آن مشخص گردد.

تلقیح مصنوعی معمولاً به دو روش انجام می‌شود یکی با اسپریم شوهر و دیگری با اسپریم بیگانه. تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپریم شوهر خود دارای دو روش است: روش اول هرگاه پس از ازدواج، بین نطفه زن و شوهر تلقیح انجام پذیرد، دین ترتیب

که نطفه مرد را به رحم زن وارد کنند، این کار تلقیح مصنوعی داخل رحمی نامیده می‌شود و اگر بین تخمک زوجه و اسپرم همسر او در آزمایشگاه تلقیح انجام شود آن کودک را آزمایشگاهی یا تلقیح مصنوعی خارج رحمی می‌گویند. (طباطبایی و عمومی، ۱۳۹۱: ۵۶)

در روش دوم در مواردی که مرد به فقدان کامل اسپرم (آزواسپرمی) مبتلاست یا خطر انتقال بیماری‌های ارثی از مرد به نوزاد وجود دارد، استفاده از اسپرم بیگانه روش درمانی دیگری است که به زوج نابارور توانایی پدر و مادر شدن را می‌دهد. برخلاف روش اول احکام وضعی کودک متولدشده از روش دوم از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. تولیدمثل با استفاده از اسپرم بیگانه هرچند جزء مسائل نو پیدا به شمار می‌آید لیکن در زمان‌های قدیم موارد مشابهی بین مردم اتفاق می‌افتاده و در این زمینه پرسش‌هایی از ائمه اطهار (ع) به عمل آمده است. (همان: ۵۶)

ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

دو بعد مهم در بررسی ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در مورد مباحث فقهی و حقوقی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

به عقیده اکثر فقها هرگاه تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر و تخمک زوجه صورت گیرد، کودک به زوجین منتسب خواهد بود. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳: ۵۶۴)

حقوقدانان نیز معتقدند در این نوع تلقیح، رابطه زوجیت بین زن و مردی که پدر و مادر طفل محسوب می‌شوند وجود دارد و طفل نیز بنابر فرض، از ترکیب نطفه‌های این دو ایجادشده است و طفل متولدشده، طفل قانونی است تمامی شرایط لازم را برای نسب قانونی دارا می‌باشد و فرقی که مورد لقاح مصنوعی با موارد عادی دارد آن است که در لقاح مصنوعی، طفل به وسیله طبیعی یعنی نزدیکی زن و شوهر به وجود نیامده است و این امر تأثیری در نسب قانونی ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۳۲۹)

سؤالی که مطرح می‌شود این است که طفلی که از تلقیح زوجین به وجود آمده آیا از پدر و مادر خود (زوجین) ارث می‌برد؟ روشن است که فرزند حاصل از این تلقیح هیچ فرقی با فرزند ناشی از نزدیکی ندارد و بین پدر و مادر وی حالت توارث وجود خواهد داشت اگرچه ممکن است در رابطه با انتقال نطفه به رحم زن اعمال حرامی چون لمس بدن توسط اجنبی انجام پذیرد. (بندرچی، ۱۳۷۲: ۲۶۳)

اشکالی در انتساب آن طفل به صاحب اسپرم نیست، چون او پدر فرزند است، چنانکه دلایل شرعی و فتاوی فقها از جمیع مذاهب و طوائف اسلامی براین قول دلالت دارد. بنابراین طفل به‌طور قطع از زوج و زوجه ارث می‌برد و بالعکس. (محلانی، ۱۳۸۹: ۷۵)

شرط وراثت کودک از طریق حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

یکی دیگر از مباحث ارث کودک ناشی از اسپرم‌های اهدایی، شرط وراثت کودک از طریق حمل در تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر می‌باشد که در این زمینه نیز فقها و حقوقدانان نظرات متعددی را ارائه داده‌اند که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

تلقیح مصنوعی برای نخستین بار در سال ۱۷۶۵ میلادی به منظور اصلاح نژاد و تکثیر نسل حیوانات، توسط یک دانشمند آلمانی به نام Iud wig Jacobin بر روی ماهی‌ها انجام شد و متعاقب آن برای تولید مثل انسان نیز مورد آزمایش قرار گرفت و در برخی کشورها مانند آمریکا معمول گردید. با پیشرفت علم و استفاده از تکنیک‌های برتر، نخستین نوزاد آزمایشگاهی به نام «لوئیز براون» در ۱۹۷۸ میلادی در لندن با تلاش دکتر استپتو و همکارانش به دنیا آمد. پس از آن در سال ۱۹۸۸ میلادی یعنی یک سال پس از این موفقیت در کشور انگلستان، ۹۵۶ کودک از طریق باروری خارج رحمی (I.V.F) متولد شدند. همچنین در ایالات متحده آمریکا بیش از ۴۰۰۰۰ سیکل Assisted Reproductive Technologies انجام گرفته که در عمل منجر به ۸۷۴۱ وضع حمل شده و ۵۱۰۳ مورد آنها از طریق (I.V.F) بوده است. (روشن، ۱۳۸۶: ۴۰۷)

اما بعد از آوردن مختصری از تاریخچه بایستی یادآوری نمود، شرط وراثت این گونه اطفال این است که نطفه آنان در حین فوت مورث منعقد شده باشد و اگر حمل بعد از فوت پدر به وجود آمده باشد باینکه فرزند شرعی و قانونی آن پدر محسوب می شود و با او کاملاً قرابت خونی دارد برابر ماده ۸۷۵ ق.م. چون نطفه او حین الموت پدر منعقد نشده از او ارث نمی برد. زیرا در فقه اسلامی و قانون مدنی برای ارث حمل دو شرط ذکر شده است. در ماده ۸۷۵ ق.م آمده است: «اگر حملی باشد در صورتی ارث می برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.

در بحث تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در صورتی که انعقاد نطفه در رحم زوجه بعد از فوت مورث باشد مستلزم یک اشکال مهم خواهد بود و آن این است که چنین حملی اگر از پدر ارث ببرد با شرط اول منافات دارد و اگر ارث نبرد با آیه شریفه (يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِيْ اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰىيٰنِ) منافات دارد (قبله ای خوبی، ۱۳۸۶: ۳۶۶).

فرض مسئله به این شکل است که اسپرم شوهر اخذ شده و بعد از تقویت و آماده سازی به زوجه تلقیح شود یا اینکه زوجه بعد از اخذ اسپرم آمادگی تولید تخمک را ندارد بنابراین اسپرم شوهر در وسایل مصنوعی نگهداری تا تخمک تولید و آماده تلقیح شود در فاصله اخذ و تلقیح اسپرم، شوهر فوت کند و بعد از فوت او اسپرم به زوجه تلقیح شود این امر ثابت است که فرزند از پدر خود ارث نخواهد برد. البته انتقادی نیز بر این ماده وارد شده که فرزند کاملاً با پدر خود رابطه خونی دارد و نسب وی مشروع است بنابراین دور از انصاف است که چنین فرزندی از ارث محروم شود. اما ممکن است پاسخ داده شود که بعد از فوت مایه ترک به ورثه موجود انتقال داده می شود و فقط حمل موجود از ارث متوفی، منتفع است در حالی که اسپرم بدون ترکیب تخمک حمل محسوب نمی شود که صاحب حق باشد. (صمدی اهری، ۱۳۸۲: ۸۰).

در تحلیل کلی از این بخش تحت عنوان حقوق ارث کودک ناشی از اسپرم اهدایی بایستی عنوان نمود که در مسئله ارث باید بین ارث گذار و ارث بر به واسطه ولادت اتصال برقرار باشد و این ارتباط فقط بین صاحب اسپرم و تخمک و فرزند متولد شده برقرار است بنابراین چند نکته وجود دارد:

- در تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم شوهر، کودک به زوجین منتسب است و نتیجتاً توارث میان آن ها برقرار می گردد.
 - همچنین در شیوه درمان ناباروری با استفاده از اسپرم بیگانه، زوج فاقد اسپرم با کودک متولد شده هیچ گونه رابطه نسبی ندارد و به همین علت از یکدیگر ارث نمی برند و به دلیل ثبوت رابطه نسبی میان طفل و صاحبان اسپرم و تخمک رابطه توارث برقرار خواهد شد.

- در مورد طفلی که نطفه او پس از وفات والدین منعقد شده باشد، از صاحبان اسپرم یا تخمک ارث نمی برد و شرط وراثت این گونه اطفال وجود حمل در زمان فوت مورث است.

اگرچه در سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را به تصویب رساند و آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۳ تصویب و منتشر شد. لیکن درباره ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی در هیچ یک از قوانین موضوعه ایران مقرره ای وجود ندارد. بنابراین ضرورت دارد قانون گذار ایران با استفاده از نظرات فقها، حقوقدانان و صاحب نظران وضعیت نسب، ارث و سایر آثار وضعی کودکان ناشی از تلقیح مصنوعی را در انواع مختلف روش های باروری مصنوعی تعیین و تصویب نماید تا به مناقشات و نظرات گوناگون در مرحله عمل، پایان دهد.

وضعیت حقوقی نفقه کودک های ناشی از اسپرم اهدایی در ایران

به جهت انواع مباحث مطرح شده در انتقال کودکان ناشی از اسپرم های شده لازم است نفقه طفل در هر یک از حالات به صورت جداگانه مطرح گردد که در زیر به بررسی آن می پردازیم.

نفقه حمل کودکان متولد شده ناشی از اسپرم اهدایی در ایام بارداری

اولین موضوع مورد بررسی در مورد نفقه کودکان متولد شده از اسپرم اهدایی در ایام بارداری می باشد که بایستی دید که چه احکامی بر آن قید شده است:

با پیشرفت فناوری و امکان تشخیص برخی بیماری های جنین در رحم به واسطه آزمایش های دی ان ای، آمینیوسنتز و گرفتن عکس های چندبعدی، درمان تمام یا بخشی از آن بیماری در رحم فراهم شده است. علاوه بر این، رشد جنین نیازمند تغذیه ویژه و استفاده از برخی مکمل های دارویی توسط مادر است که صرفاً نافع به حال جنین می باشد. این مراقبت ها و مواردی دیگری از این دست که در ارتباط با تغذیه و سلامتی جنین بوده و فقط اختصاص به جنین دارد، نیازمند هزینه قابل توجهی است. هزینه های فوق این احتمال را در نظم نوین حقوقی تقویت می کند که باید نسبت به جنین نیز نفقه اختصاصی در نظر داشت. از این رو در نظام حقوقی نفقه حمل جدای از نفقه مادر بوده که توسط واجب النفقه وی، یعنی پدر ژنتیکی او باید پرداخت گردد. در فرض شبیه سازی نیز باید قائل به این نظر شد حملی که در رحم مادر جانشین وجود دارد، دارای نفقه مختص خود بوده و علاوه بر نفقه ای که شوهر مادر جانشین از باب نفقه زوجه به همسر خود می دهد، والدین ژنتیکی نیز باید نفقه جنین متعلق به خود را به مادر جانشین پرداخت نمایند. برخی حقوقدانان نیز قائل به چنین نظری شده اند. (روشن، ۱۳۹۰: ۹۲)

بنابراین نفقه در ایام بارداری نیز نسبت به کودک بایستی تعلق بگیرد، زیرا قانون نیز آن را حکم نموده است.

نفقه کودکان متولد شده ناشی از سلول زن و شوهر

دومین موضوع مورد بررسی در مورد نفقه کودکان متولد شده از اسپرم اهدایی در مورد لقاح سلول و زن و مرد می باشد که بایستی دید که چه احکامی بر آن قید شده است: در شرایطی که کودک از سلول شوهر و زن وی در لقاح خارج رحمی با انتقال به رحم همسر وی، به وجود می آید تردیدی در انتساب طفل به زن و شوهر نیست و تمام آثار نسب صحیح بینشان جاری است، خواه عمل شبیه سازی به وسیله شوهر یا به وسیله اجنبی انجام گرفته باشد و خواه زوجین عالم و جاهل به عمل تلقیح باشد، لذا نفقه کودک همانند سایر اولاد طبیعی آنان بر عهده زن و شوهر می باشد، تفاوتی و احکام خاصی نسبت با نسب نفقه اولاد متولد شده در یک رابطه جنسی مشروع ندارد، همه فقها و حقوقدانان معتقد به این نظر می باشند. بنابراین نتیجه می گیریم که نفقه کودکان متولد شده ناشی از سلول زن و شوهر نیز نسبت به کودک بایستی تعلق بگیرد، زیرا فقها و حقوقدانان نیز آن را یادآوری نموده است.

نفقه کودکان متولد شده به وسیله سلول مرد بیگانه

سومین موضوع مورد بررسی در مورد نفقه کودکان متولد شده از اسپرم اهدایی در مورد سلول مرد بیگانه می باشد که بایستی دید که چه احکامی بر آن قید شده است؛ در این حالت جنین از سلول مرد اجنبی تشکیل می یابد که بین او با زن صاحب تخمک و یا صاحب رحم رابطه زوجیت قانونی و شرعی وجود ندارد، حقوق کودک در این فرض با سه فرد ارتباط دارد:

- نخست صاحب سلول جسمی یا نطفه؛

- دوم، شوهر زن متقاضی فرزند؛

- سوم، زوجه صاحب رحم که صاحب تخمک نیز هست. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۹)

در این که کدام یک از این سه نفر وظیفه پرداخت نفقه از طفل را بر عهده دارند، فقها اختلاف نظر دارند در واقع بسته به پذیرش هر کدام نظریات مطرح شده در مبحث نسب چنین طفلی، فرد موظف تغییر می کند، یعنی در صورت پذیرفتن الحاق طفل به صاحب سلول، نفقه بر عهده او خواهد بود و در صورت پذیرش نظریه پدر بودن صاحب فراش نفقه بر عهده ایشان خواهد بود. در صورت پدر نبودن هیچ یک از آنان هیچ کدام حق نفقه ندارد، در صورت پدر بودن هر دو، هر کدام حق نفقه دارند. بر مبنای التزام صاحب سلول به نفقه در صورت عالم و معلوم بودن وی، صاحب نطفه در صورتی موظف به پرداخت نفقه است. همچنین در صورتی که مرد و زنی که لقاح مصنوعی بین آنان به عمل آمده، جاهل به حقیقت امر باشد، در این صورت طفل به آنان ملحق می گردد، زیرا طفل مزبور در ردیف ولد شبهه است. بالطبع تکالیف پدری و فرزندی میان صاحب نطفه جاهل و فرزند برقرار می شود، اما در حالتی که صاحب نطفه عالم به انتقال جنین حاصل از نطفه خود به رحم زن بیگانه باشد، فرزند به او ملحق نمی گردد و در نتیجه وظیفه ای به پرداخت نفقه و نگهداری و تربیت طفل ندارد. (شهیدی، ۱۳۹۴: ۷۴ - ۷۵)

بر مبنای التزام صاحب فراش به پرداخت نفقه کودک، صاحب فراش پدر طفل به حساب می آید، و نفقه کودک از حقوق و تکالیف او خواهد بود. به نظر می رسد که این نظر در مقایسه با سایر نظریات از منطق و استدلال محکم تری برخوردار بوده و با مصلحت کودک و جامعه سازگاری بیشتری دارد و تمایل قانونگذار در التزام صاحب فراش به تأمین حقوق کودک با قانون اهدای جنین هماهنگی دارد، اگر چه مقنن در ماده ۳ قانون اهدای جنین، متقاضیان را پدر و مادر طفل به حساب نیاورد است، لیکن وظایف و تکالیف دریافت کنندگان طفل را از لحاظ نگهداری و تربیت، نفقه و احترام، نظیر تکالیف پدر و مادر قانونی دانسته است. از سوی دیگر، التزام صاحب نطفه به پرداخت نفقه، حضانت طفل با قصد و نیت اهداکننده اسپرم و سلول و تخمک منطبق نیست و آنان به هیچ وجه خواستار داشتن فرزند، بر عهده دار شدن تکلیف نفقه نبوده اند چه بسا اگر به آنان گفته شود موظف به تأمین حقوق کودک ناشی از اهدای اسپرم هستند، هرگز حاضر به اهدا نخواهند شد. بنابراین تحمیل نفقه به صاحب نطفه برخلاف انصاف و عدالت است. (سیفی قره یقاق و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۶)

نفقه کودک ناشی از اسپرم اهدایی با استفاده از تخمک بیگانه

بر اساس نظر سلب مسئولیت، بر هیچ یک از زنان نسبت به پرداخت نفقه تأکیدی نشده است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان صاحب رحم از آن جهت که مدتی جنین را در رحم خویش پرورش داده و در رشد کودک نقش مهمی را ایفا کرده است، حکم مادر رضاعی بر او بار می شود.

در بررسی وضعیت نفقه در این بخش باید گفت که مادر هیچ مسئولیتی نسبت به پرداخت آن ندارد و همان گونه که مادر رضاعی با وجود ایجاد بعضی از آثار حقوقی مثل حرمت نکاح بین او و کودک یا حرمت نکاح بین کودک رضاعی با برادران و خواهران رضاعی و بین کودک رضاعی و مادر رضاعی، توارث و یا تکلیف به نفقه وجود ندارد، در مورد صاحب رحم اجاره ای نیز قائل به خصوصیات احکام خاص شده و باید گفت تکلیف انفاق برای مادر اجاره ای وجود ندارد و این کودک از جهت نفقه با صاحب رحم هیچ رابطه حقوقی ندارد. (صمدی اهری، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

آنچه که در تحلیل این موضوع به نظر می رسد آن است که از این حیث قانونگذار در حقوق کنونی حکمی را در مورد صاحب رحم (جز اهدا جنین) صادر نکرده و تکلیفی را از جهت نفقه بر عهده او نگذاشته است. در نقد این مطالب بالا بیان این مطلب ضرورت دارد که محروم نمودن کودک از تربیت در دامن مادر و مهر محبت او با هیچ یک از یافته های پزشکی، روانشناسی، اجتماعی و ضوابط اخلاقی جامعه سازگاری ندارد.

نسبت نفقه زوجین قانونی به زوجین نابارور کودک ناشی از جنین متولد شده از اسپرم اهدایی

یکی از اصلی ترین قسمت های قانون اهدای جنین ۱۳۸۲، مشخص نمودن ارتباط میان کودک متولد شده و زوجین گیرنده جنین است. از آنجا که در فرض قانون، جنین از اسپرم مرد و تخمک همسر شرعی وی تشکیل شده است، رابطه ژنتیک بین گیرندگان جنین و طفل متولد از آن ها وجود ندارد و رحم زوجه گیرنده محیطی مساعد برای پرورش جنین تشکیل شده از نطفه دیگران است.

با توضیح مطلب بالا قانونگذار برای تعیین آینده کودک به دنبال ارائه همان حقوق و تکالیفی بوده است که پدر و مادر و اولاد با یکدیگر دارند، لذا در ماده ۳ قانون اهدای جنین رعایت حقوق و تکالیف حاکم بر روابط فرزند و پدر و مادر بر زوجین گیرنده جنین، الزامی تلقی شده بود، تطبیق حقوق و تکالیف فرزند متولد از طریق انتقال جنین با حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر به دلیل فقدان رابطه نسبی میان کودک، انتقال گیرندگان مورد مخالفت شورای نگهبان واقع شد. بدین عبارت که «اگر مقصود از مفاد ماده ۳ ترتب کلیه آثاری است که برای فرزند واقعی می باشد، خلاف شرع است و اگر مقصود دیگری است مشخص شود تا اظهار نظر گردد.» (سیفی قره یقاق و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۰)

با اصلاح ماده ۳ در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۸ به شرح ذیل به شورای نگهبان ارسال گردید:

«وظایف و تکالیف زوجین اهداگیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد پدر و مادر است». این بار نیز شورای نگهبان به جهت استفاده از کلمه حقوق به جای وظایف در ذیل ماده، به آن

ایراد گرفته و اظهار داشت: «کلمه وظایف در صدر ماده ۳، در ذیل همین ماده به کلمه حقوق تغییر یافته است که موجب ابهام است باید روشن شود تا اظهار نظر گردد». (همان: ۱۴۰)

با اصلاح کلمه مذکور و سایر اصلاحات و تعدیل شماره مواد، در نهایت ماده ۳ قانون اهدای جنین در این خصوص مقرر داشت: «وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است».

بر پایه این ماده به بررسی نفقه طفل او در اهدای جنین به زوجین ناباروری به نحو مختصر می پردازیم. بر اساس ماده ۱۱۹۹ ق.م. نفقه اولاد بر عهده پدر است، پس از فوت پدر، عدم توان او بر انفاق، به عهده اجداد پدری است در صورت نبودن پدر یا جد پدری یا عدم ملائت آنان، نفقه بر عهده مادر است، در صورت زنده نبودن مادر یا عدم قدرت بر انفاق وی نفقه بر عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری است، در این ماده قانونگذار در درجه نخست پدر و با ترتیباتی مادر را مسئول پرداخت نفقه اولاد قلمداد کرده است. (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

نتیجه گیری

همگام با گسترش حوزه دانش بشری و ظهور دستاوردهای نو در قلمرو علوم تجربی، مسائل و موضوعات پیچیده فقهی و حقوقی نیز پدیدار آمده، راه حل های مناسب خویش را می طلبند. فقه امامیه با برخورداری از اصل «اجتهاد» توانایی رویارویی با مسائل نوپیدا و ارایه بهترین راه حل ها را داراست. «تلقیح مصنوعی» نیز یکی از مسائل نوپیدا است که پیشرفت دانش پزشکی آن را به عرصه فقه و حقوق کشانده و از آنجا که قوانین و مقررات حقوقی ما ریشه در احکام مذهبی دارد، هیچ حقوقدان و اندیشمندی در دانش حقوق، نمی تواند بدون بهره مندی از این منبع عظیم، در جهت قانونی کردن چنین مسائل جدیدی گام بردارد، بلکه نخست باید فقیهان جواز شرعی آن را تایید و حکم وضعی آن را روشن کنند، سپس به صورت ماده یا مواد قانونی درآید. با این وجود، تصویب قانون و آئین نامه نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، گام مهمی در تعیین تکلیف مشروعیت این اقدام برداشته شده است و با توجه به این قانون با تنقیح مناط و استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی با مراجعه به منابع معتبر فقهی، تمسک به اصله الحل، اصول اباحه، برائت و عدم تفسیر موسع از استثنای توالد و تناسل در زنا، انواع اهدای اسپرم، تخمک و جنین اصولاً دارای مشروعیت هستند. در ماده ۸۶۱ قانون مدنی در رابطه با ارث کودک های متولد شده ژنتیکی ناشی از اسپرم های اهدایی آورده شده است که، نسب شرط وراثت است و ولدالزنا را در ماده ۸۸۴ از این امر مستثنا نموده است. بنابراین ولد ناشی از غیر زنا در صورتی که نسب تحقق یابد، ارث می برد چرا که ماده ۸۸۴ ق.م. استثنائی بر ماده ۸۶۱ این قانون است و عمل به وحدت ملاک استثناء خلاف است. لذا استثناء مندرج در ماده ۸۸۴ را با توجه به اطلاق ماده ۸۶۱ باید به طور محدود تفسیر کرد. به این ترتیب تمام اقسام دیگر اولاد از ارث مورث خود بهره مند می باشند و دلیلی بر آن که شرط وراثت در نسب، نکاح صحیح است، موجود نیست. اما در رابطه با نفقه کودک ناشی از اسپرم های اهدایی در نظام جمهوری اسلامی ایران، چند حالت مختلف وجود دارد که فرد مسئول نفقه در آن ها متغیر می باشد؛ اول آنکه نفقه کودک در دوران حمل و بارداری بر عهده والدین ژنتیکی است که باید نفقه جنین متعلق به خود را به مادر جانشین پرداخت نمایند. دوم آنکه نفقه کودکی که از سلول زن و شوهر باشد، چون تردیدی در نسب وجود ندارد، نفقه هم بر عهده زن و شوهر می باشد. سوم آنکه درباره نفقه کودکی که از سلول مرد بیگانه است، نظرات مختلفی وجود دارد. چهارم اینکه در صورتی که سلول جسمی با تخمک بیهسته ترکیب شود، زن صاحب رحم شایسته تر بر وصف مادری است و تمامی آثار و تکالیف مادری و فرزندگی میان او و طفل متولد شده اثبات می گردد، مگر این که در قرارداد این تکلیف ساقط شده باشد. پنجم اینکه، هنگامی که زوجین قانونی به زوجین نابارور جنین شبیه سازی را اهدا می کنند، بر اساس وحدت ملاک مستنبط از ماده ۳ قانون اهدا جنین به زوجین نابارور و مصلحت کودک، نفقه کودک بر عهده گیرندگان جنین می باشد.

منابع و مراجع

- [۱] اسلامی، حسن (۱۳۸۸)، شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۲] امامی، حسن (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، تهران: نشر اسلامیه.
- [۳] انصاری، مسعود، ظاهری، محمدعلی (۱۳۸۴)، مجموعه دانشنامه حقوق (دانشنامه حقوق خصوصی)، تهران: انتشارات محراب فکر.
- [۴] بندرچی، محمدرضا (۱۳۹۳)، موانع ارث در حقوق مدنی و فقه شیعه، تهران: سمت.
- [۵] روشن، محمد (۱۳۹۰)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات جنگل.
- [۶] شهیدی، مهدی (۱۳۹۴)، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی، تهران: سمت.
- [۷] صفایی، سیدحسین (۱۳۹۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: نشر میزان.
- [۸] صمدی اهری، محمد هاشم (۱۳۹۶)، نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام، تهران: گنج دانش.
- [۹] عابدیان، میرحسین (۱۳۹۳)، شروط باطل و تأثیر آن در عقد، تهران: جنگل.
- [۱۰] کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷)، درس هایی از شفعه، وصیت، ارث، تهران: میزان.
- [۱۱] ----- (۱۳۹۶)، حقوق مدنی خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۱۲] مصطفوی، محمدجواد (۱۳۹۴)، هبه و هدیه از منظر اسلام، تهران: نشرطلیعه سبز.
- [۱۳] محلاتی، شهربانو (۱۳۹۴)، بررسی خलाهاى قانونی حقوق کودک، تهران: ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی- اجتماعی زنان.
- [۱۴] نعمتی، تهمینه (۱۳۹۷)، نفقه در اسلام و سایر ادیان، تهران: جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی- جایزه ویژه علامه جعفری (ره).
- [۱۵] اسلامی، حسن (۱۳۸۴)، شبیه سازی انسان از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه، مجله فقه، شماره ۴۴.
- [۱۶] روشن، محمد (۱۳۸۶)، بررسی حقوقی اهدای گامت و جنین، پایش، شماره ۴.
- [۱۷] سیفی قره یتاق، داود؛ خجسته ماه سیاه، کافیه؛ دهباشی، زهرا (۱۳۹۵)، مبانی حقوقی و احکام نفقه کودک شبیه سازی شده، حقوق پزشکی، شماره ۳۷.
- [۱۸] طباطبایی، سید محمد صادق، عمویی، مارال (۱۳۹۵)، ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۷.
- [۱۹] فتاحی معصوم، سیدحسین (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.